

مقابله مدنی با ترامپ‌سیسم

دنیای اقتصاد - شماره روزنامه: ۴۱۶۵ / سرمقاله

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹ / شماره خبر: ۳۲۹۸۰۷۹

دکتر محمدمهدی بهکیش به نظر می‌رسد دور جدیدی از مبارزه در راه است. ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، قصد دارد ایران را به حربه‌ای برای مشت‌زنی تبدیل کند و از این طریق از یک طرف حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه را توجیه کند و از طرف دیگر تجارت را که حرفه اصلی او است، رونق بخشد؛ هرچند تجارت سلاح باشد و هواپیماهای سریع پرواز جنگی.

او از این طریق می‌تواند اشتغال را در آمریکا افزایش دهد و انبارهای اسلحه در منطقه را به هزینه دیگران پر کند برای زمانی که فرصت تخلیه این انبارها فراهم آید و تا بتوانند این دور را تکرار کند.

اوباما این نوع تجارت را بلد نبود یا نمی‌پسندید. او با تجهیز تکنولوژی و گسترش تجارت قصد نفوذ و حضور در نقاط مختلف دنیا از جمله خاورمیانه و شرق آسیا را داشت؛ ولی ابزارش علمی در اندیشه بود و مدنی در اجرا، هر چند توسعه‌طلب. ولی ما راه مقابله یا کنار آمدن با هیچ یک از این دو رویکرد را به درستی نمی‌شناسیم. البته با اوباما وارد مبادله شدیم - هر چند دیر - ولی به یمن تخصص و تعهد متصدیان امر در کشورمان، تبادل موفق در جهت تامین منافع کشورمان داشتیم. بازی برد - بردی را سامان دادیم که بیشتر جهانیان را شگفت‌زده کرد. این فرآیند اثبات کرد که ایرانیان هنوز مذاکره‌کنندگان خوبی هستند اگر فرصت آن را به‌دست آورند. در این دنیای پرتلاطم باید تلاش کنیم تا با بهره‌گیری از ابزارهای مدنی هر روز بازی برد - برد دیگری را شکل دهیم و در جهت تامین منافع ملی کشورمان از این مزیت استفاده کنیم، بدون آنکه مجبور شویم قصد تخریب و تعرض به دیگران را به نمایش بگذاریم.

در وادی اقتصاد حکایت متفاوت است، ولی تاثیرپذیری بی‌چون و چرا از سپهر سیاسی کشور دارد. لازم است به یاد آوریم که صادرات کالاهای کارخانه‌ای کشورمان در سال گذشته ۱۵ درصد نسبت به سال ۹۴ کاهش داشت. در شش ماه اول سال جاری نیز مجدداً ۵ درصد کاهش صادرات کالاهای کارخانه‌ای را داشتیم که عموماً موجب گسترش اشتغال بودند. می‌دانیم که صادرات مهم ما به جز نفت، میعانات همراه نفت و گاز و محصولات پتروشیمی، صادرات کالاهای مصرفی است. دو گروه اول (میعانات و پتروشیمی) صنایع تکنولوژی‌بر و سرمایه‌بر هستند و اشتغال گسترده هم ایجاد نمی‌کنند؛ بنابراین صادرات کالاهای مصرفی است که در سطوح مختلف مهارتی ایجاد اشتغال می‌کند و کاهش تولید و صادرات آنها هر سال بیشتر از سال قبل، ما را به رکود می‌کشاند.

آنچه بسیار مهم است و باید به آن توجه داشت آن است که طی ۴۰-۳۰ سال گذشته نتوانستیم تولید این‌گونه کالاها و خدمات قابل صدور را گسترش دهیم و در نتیجه اکثر منابع کشور را برای گذران زندگی مستهلک کرده‌ایم. منابعی چون آب و هوا و فضاها، شهری و انرژی و... که بیش از سهم‌مان مصرف کرده‌ایم و هر آنچه را که متعلق به نسل آینده بوده نیز مصرف کرده‌ایم تا رفاه نسبی را به‌دست آوریم. البته بهتر است بگوییم که بیشتر آنان را هدر داده‌ایم. بهره‌وری را که حاصل خلاقیت و بهره‌گیری بهینه از منابع محدود است، در حد صفر یا منفی نگه داشته‌ایم و سال‌ها بدون توجه به آمار و ارقام مربوط به بهره‌وری از کنار آن گذر کرده‌ایم. حتی مسوولان هم کمتر به آن رجوع می‌کنند شاید به آن دلیل که برایشان مهم نبوده است. ولی با تحولات پیش رو به‌خصوص زمانی که تهدیدها مطرح می‌شوند، هوشیار می‌شویم که این رویکرد قابل ادامه نیست؛ بنابراین باید تغییر کند. در غیر آن صورت فقر گسترده همه را فرا خواهد گرفت؛ زیرا دیگر منابع دهه‌های گذشته در اختیار نیست و احتمالاً کمبودها ما را به جان هم می‌اندازد. فقط کافی

است ۱۰ سال دیگر منابع آب کشور را به روال گذشته مصرف کنیم. اتفاقات پیش رو غیرقابل باور برای اکثر مردم و حتی حاکمان کشور است، ولی واقعیت دارد. حتی شهرهایی چون یزد، کرمان و... رو به تخلیه خواهند گذاشت، کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند و مردم، سرگردان که چگونه زندگی را اداره کنند.

برای افزایش درآمد باید کالاها و خدماتی را تولید و صادر کنیم که خمیرمایه اصلی آنها تکنولوژی یا فکر و خلاقیت باشد و نه منابع طبیعی چون آب که در حد کافی نخواهیم داشت تا کالاهایی چون هندوانه تولید کنیم یا انرژی نخواهیم داشت تا در ذوب فلزات چنین ارزان هدر دهیم و صدها مثال دیگر.

برای ایجاد درآمد و اشتغال باید کالاهایی را تولید کنیم که با استفاده از خلاقیت، ارزان تولید و رقابتی عرضه شوند. کالاهایی که ماهی‌ای از هنر یا تخصص دارند؛ چون نرم‌افزار کامپیوتر که مورد نیاز جهان است یا چون قطعات اتومبیل که تکنولوژی امروزی دارند و ترانزیت کالا که از موقعیت جغرافیای کشور بهره می‌گیرد، البته در صورتی که هزینه تولیدشان کمتر از دیگران باشد. چگونه می‌توان کالاهایی از این نوع را تولید و سپس صادر کرد، جواب این سوال داستان پرمطراق توسعه پایدار و رقابتی است که مکرر درباره آن بحث کرده‌ایم. فضای مورد نیاز چنین فرآیندی آن است که انسان‌های پرسشگر و خلاق داشته باشیم. البته می‌دانیم که انسان پرسشگر و خلاق در محیط آزاد و پرانرژی و مملو از انگیزه رشد می‌کند. آیا می‌توانیم چنین فضایی را در کشور فراهم کنیم؟ اگر جواب مثبت باشد، می‌توانیم مطمئن باشیم که در نبرد پیش‌رو با ترامپ و ترامپ‌بیس و حکومت‌های مشابه بعد از آنان، پیروز خواهیم شد. زیرا توسعه کشور - حتی ورود به آن راه - بر پایه امکاناتی طرح‌ریزی می‌شود که تهدیدها بر آن موثر نخواهد بود. غیر از این یا وابسته می‌شویم یا همیشه در نزاع خواهیم بود که حاصلی جز گرسنگی ندارد؛ زیرا منابع کافی برای تجهیز نزاع‌های پیش رو را هم نداریم؛ به عبارت بهتر، همه را پیش‌خور کرده‌ایم. تنها ثروت عظیمی که هنوز در دسترس داریم، جوان‌های فرهیخته و تحصیلکرده کشورمان است که هر یک از آنان می‌توانند به موتور برای توسعه تبدیل شوند - اعم از اینکه در ایران ساکن باشند یا در خارج از کشور - این ثروت عظیم در بستر موقعیت سوق‌الجیشی کشور هنوز قابل تجهیزند و راه دستیابی به آن داشتن درک درست از نیازهای آنان است و البته شناخت سیستم انگیزشی مورد نیازشان. سعی کنیم این ثروت مهم را چون دیگر منابع کشور از بین نبریم. از این فرصت استفاده کنیم و تهدید ترامپ را به فرصتی برای توسعه پایدار کشور تبدیل کنیم. کشور توسعه‌یافته تهدیدپذیر نیست حتی اگر تمام درهایش به روی دیگران باز باشد.

<http://donya-e-qtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%D8%B1%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87-28/3298079-%D9%85%D9%82%D8%A7%D8%A8%D9%84%D9%87-%D9%85%D8%AF%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85%D9%BE%DB%8C%D8%B3%D9%85>